

تیم ترجمه و ادیت آئویی سکای تقدیم میکند.

Uploader:

Aily

Translator:

Ciel

Editor:

Enola & Sherry

Director:

Lian

Indulging a crazy beauty

A
o
i
S
e
k
a
i



قسط 18

ضيافت
در
عمارت

LIVELY

تالار
ضيافت
-
پذيرايي
از بانوان

SHAKA

او!

ترجمه: سحر آهوان
ماژور: سحر آهوان
www.Sahar.com
سال: ۱۳۹۸

SHAKA

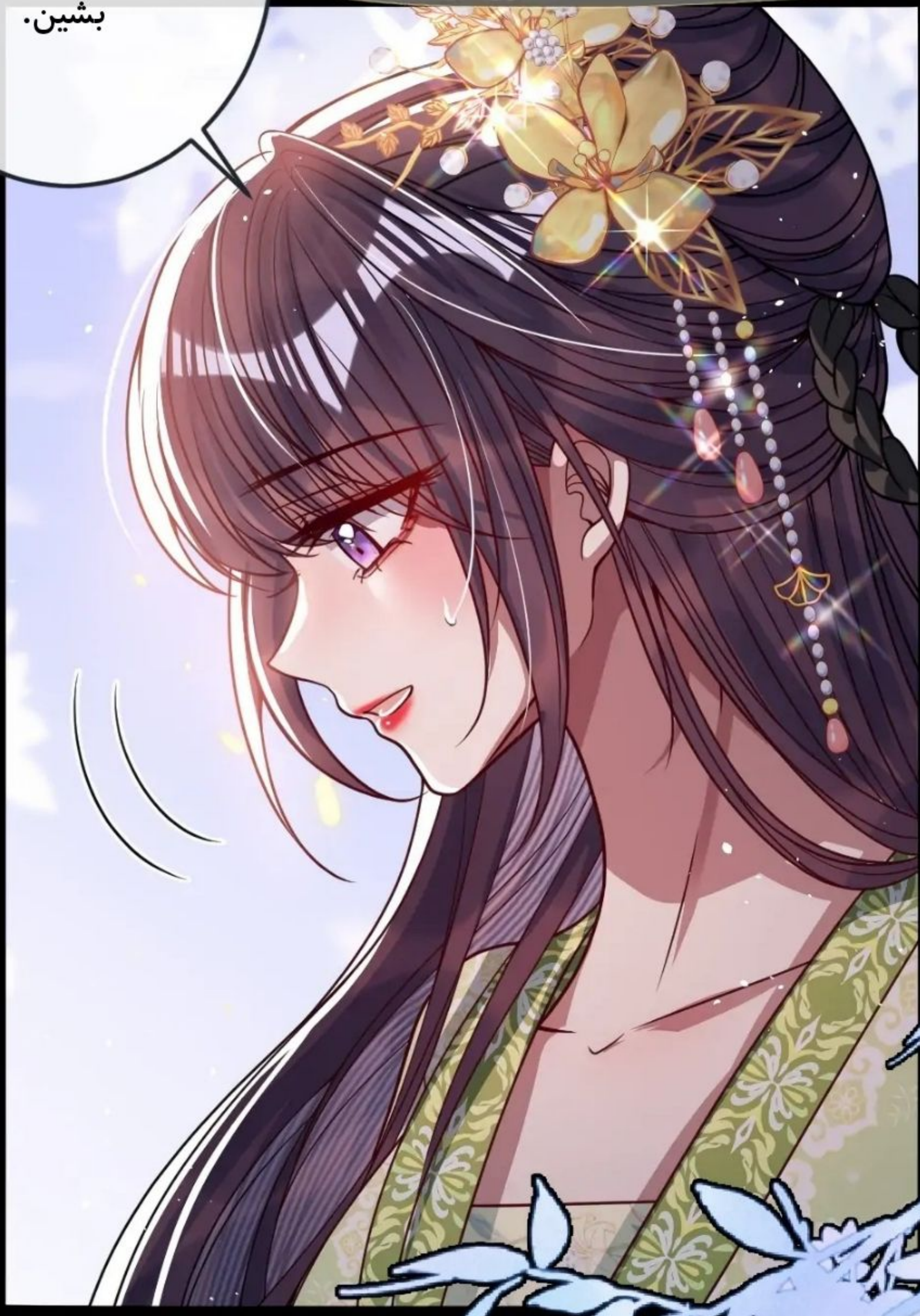
لطفاً من رو ببندشید سرورج!
چطور چرات کردم لباس
شاهبخت نهم رو کثیف کنم...

تقصیر منه! من نتونستم
ذریعه هام رو درست تربیت
کنم! لطفاً من رو تنبيه کنين!



رلم کنيد، سرورم!!

...اشکالی
نداره، می توئین بلند
بشین.



بیخیال اون‌ها،

تو
نمی‌تونی با لباس
کثیف بگردی،



باید
برات لباس تمیز
آماده کنم، دنبالم
بیا.

فوق العاده
به نظر می رسی.

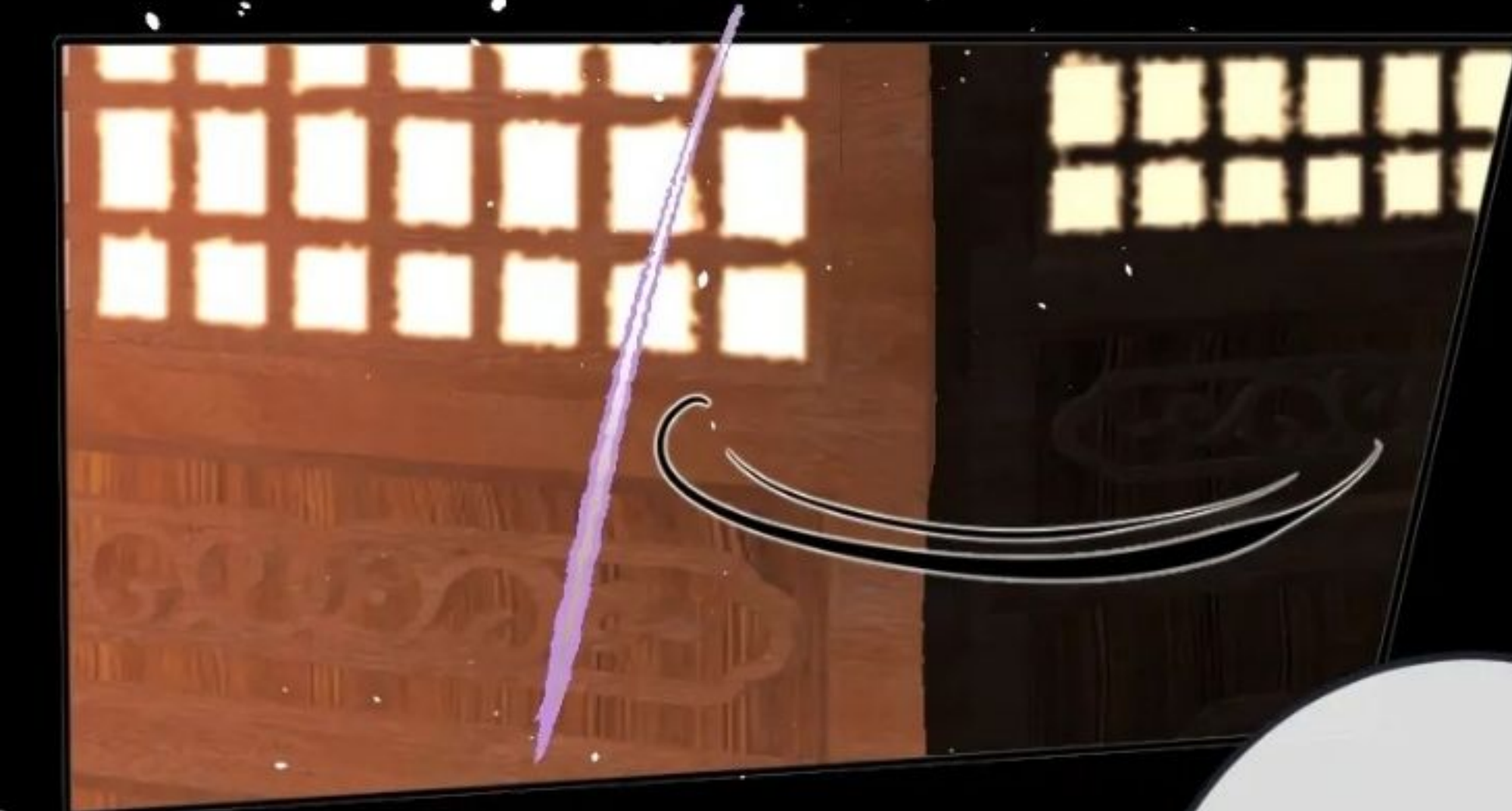
این لباس
یانلو رو تازه دوختم،
کس دیگه ای نپوشیده
بودش.

خیلی
بهت میاد! زیباییت رو
برجسته تر کرده!

واقعا
ممنونم، همسر
شاهزاده...

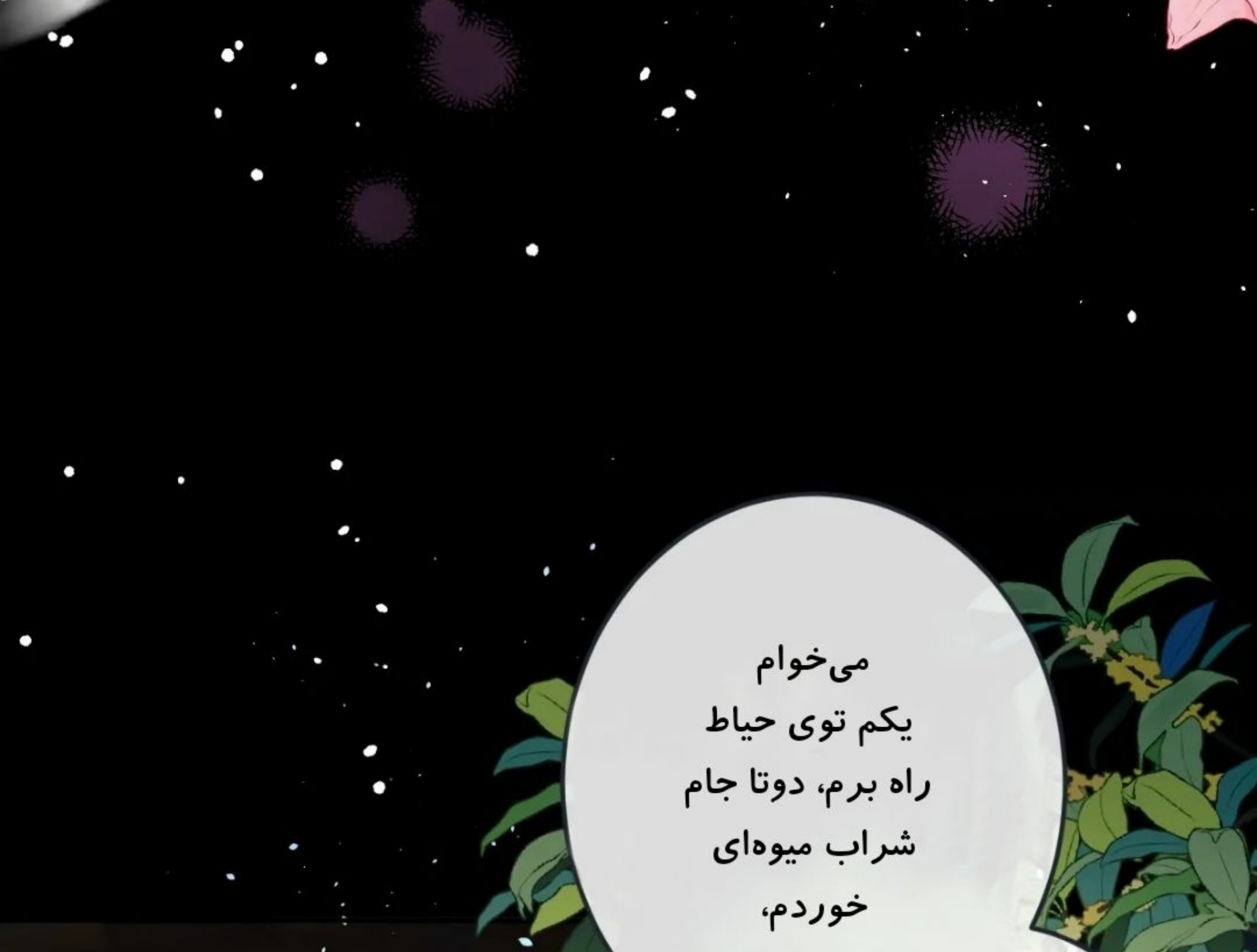
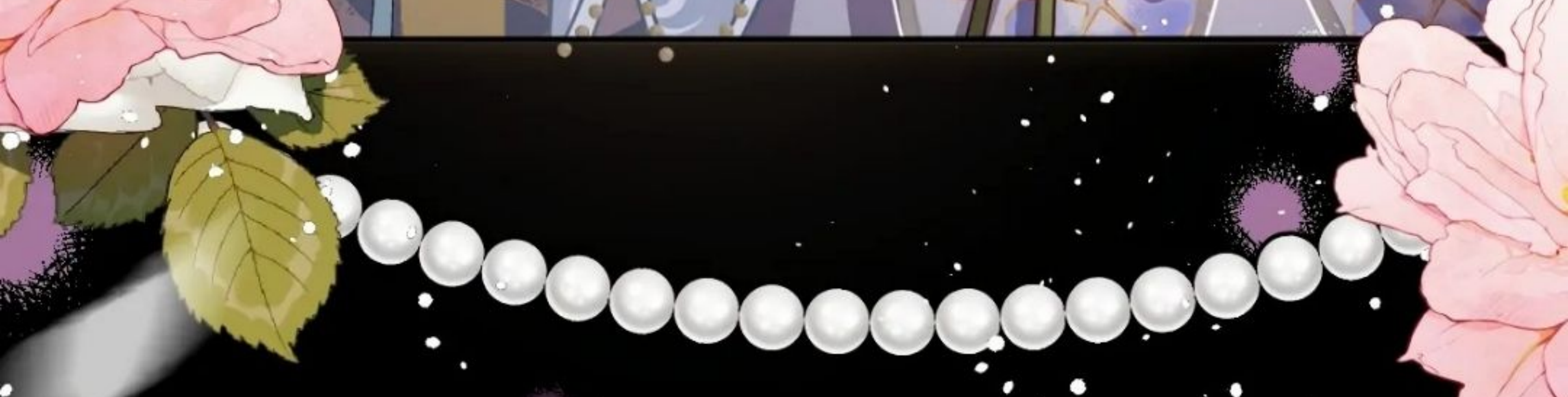
لطفاً
بدون من برگردین.

FWOO





همم؟



می‌خواهم
یکم توی حیاط
راه برم، دوتا جام
شراب میوه‌ای
خوردم،

نیاز
به هوای تازه
دارم.



مراقب
خودت باش،
شاهدخت.



ژو روئنگ
ازم خواسته بود توی باغ
سنگی پیئمش...





AS

اما اینجا عمارت کس دیگره...

این یکم...

صدای چروبیست

صدای چروبیست



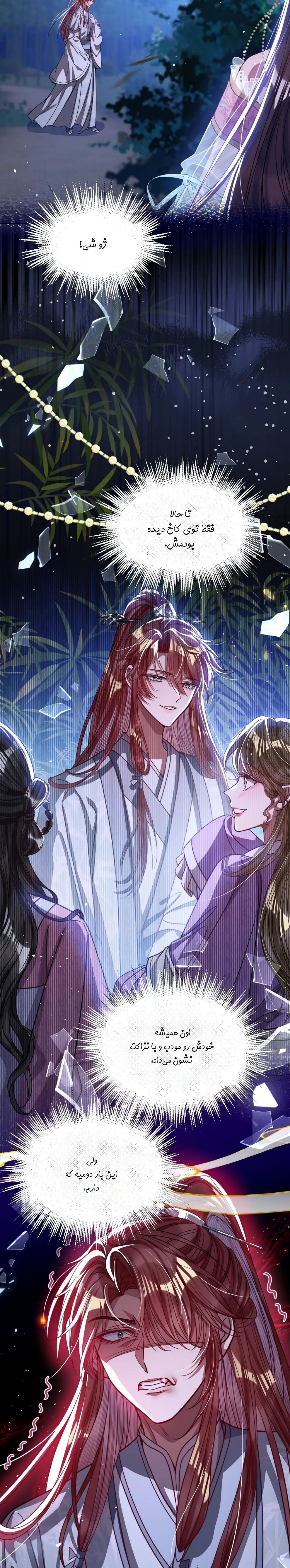
همم؟
کسی اینجا هست؟



صدای چروبیست

صدای چروبیست





ژوشی؟

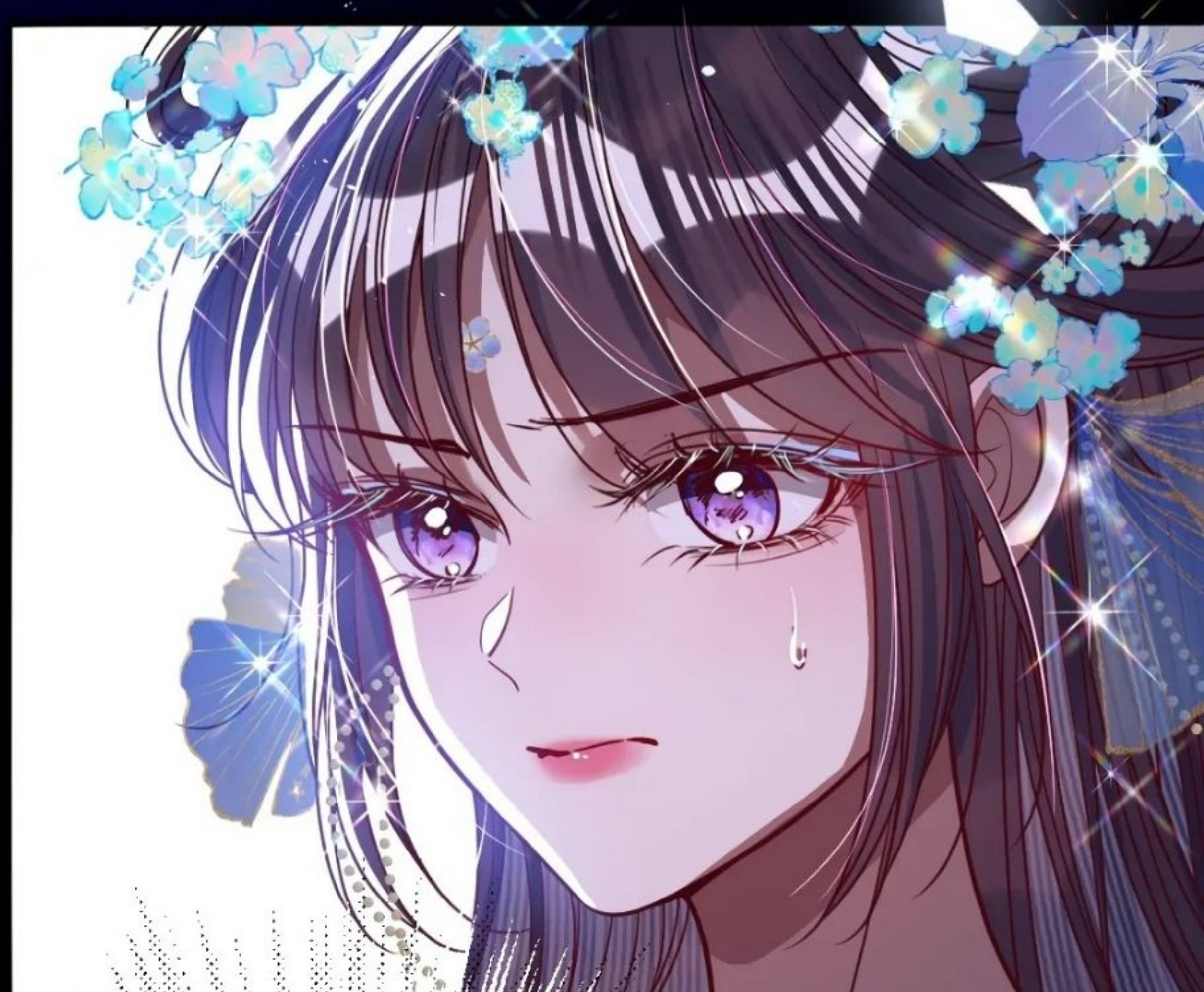
تا حالا
فقط توی کاخ دیده
بودمش،

اون همیشه
خودش رو مودپ و پاتزاکت
نشون می داد،

ولی
این پار دومیه که
دارم،



چہرہ
آشقتہ و درہمیش رو
می بینم.



اگہ درست
یادم باشہ، ژو شی
یئشم سفید دوست
ندارہ.

ولی قبلا
پہم یہ دونہ ہدیہ
داد...

اصلا
دارہ پا کی دعوا
می کنہ؟

不可不学也
不可不学也

SHAAA

SHAAA

می فرستمت
مرز شرقی تا چند
سالی اونجا آموزش
بینی.

دو روز
دیگه راه میوفتی،

بهترین
افرادم رو انتخاب
کردم که همراهیت
کنن.

ژو رونگ!

ژو رونگ! نه تنها دستور
خانواده را نادیده می گیری،



بلکه می‌خواهی من رو هم
تبعیه کنی؟ می‌اندکار کثیف.

پیزی جز ننگ و بی‌آبرویی از
فهرت به جا نمی‌ذاری!



فکر
کردی نمی‌دونم
تو کسی هستی که این
شایعات رو پخش
می‌کنه؟

اگه
می‌خواهی فرماندهی
ارتش دستت باشه، از
خودم درخواست
کن.

این
نقشه‌های
زیر پوستی فقط
وقت تلف
کردنه.

ازت
درخواست کنم؟

اندکار تو هم به همین
سلاگی می‌دیش؟!!



کی می دونه؟
شاید خواستم دست و
دل باز باشم.

باشه پس.
بالاخره که میبوره می شی بهم
بریش! اون موقع می بینمت.

همف!

توقع نداشتم
از بین این همه آدم، شاهد
دعوی خواهر و برادر
شو باشم...

هاه...

بیا بیرون.

لو رقتم؟



W!

?!

SHING

پرا
قایم شری؟

بای من؟

همه
چیز رو شنیدی؟



م-من
فقط داشتم رد
می شدم.

حتی بعد
از اینکه فالگوش
وایسادی تا از اسرار
خانواده ژو سر
در بیاری،

CHUCKLES

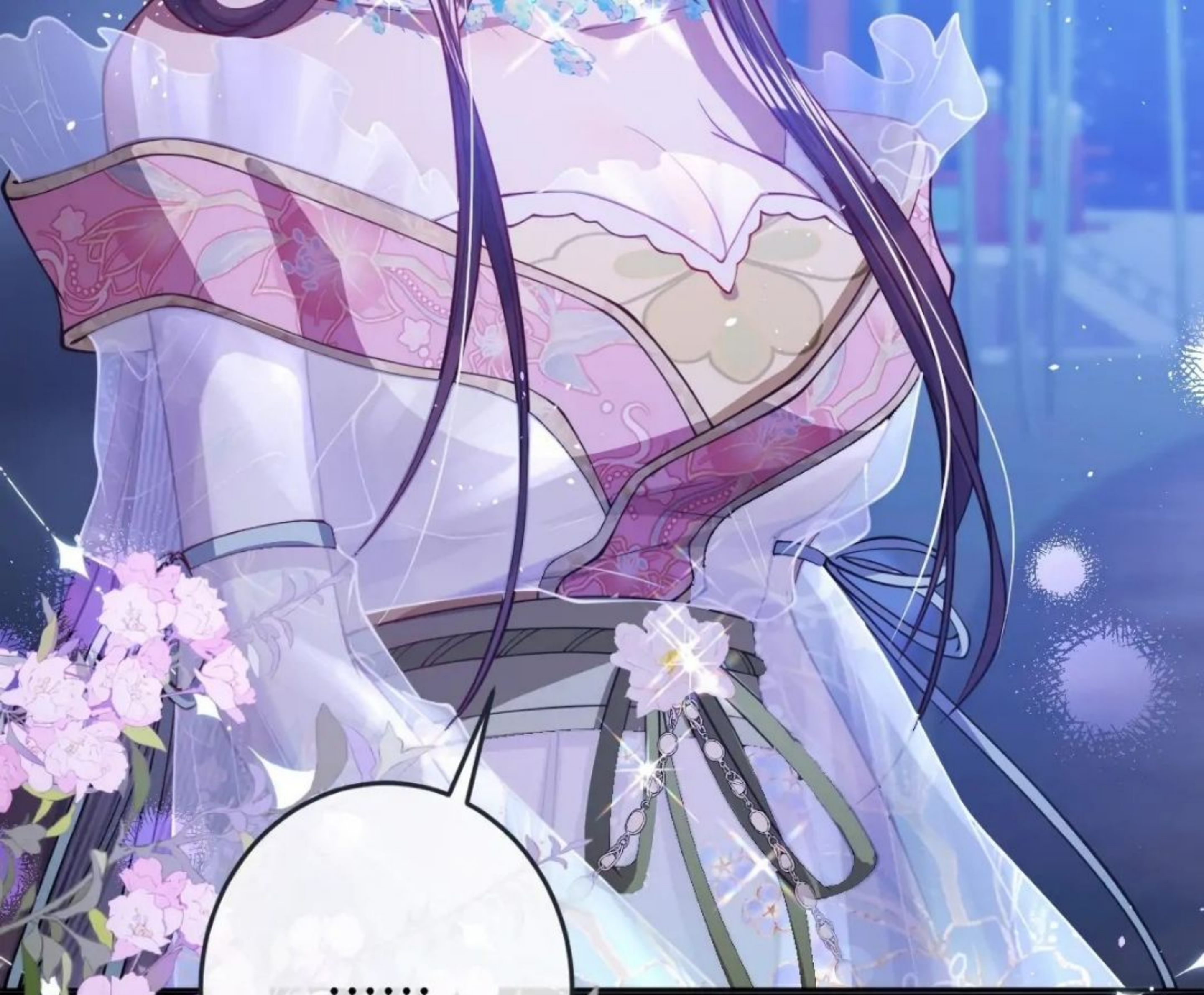


هنوزم...



STUNNED





.....

هیچوقت
ندیده بودم انقدر
چسورانه لباس
پوشه.



BA-THUMP

گفت فقط
داشته رد می شده، ولی
این مسیر به باغ سنگی
ختم می شه.

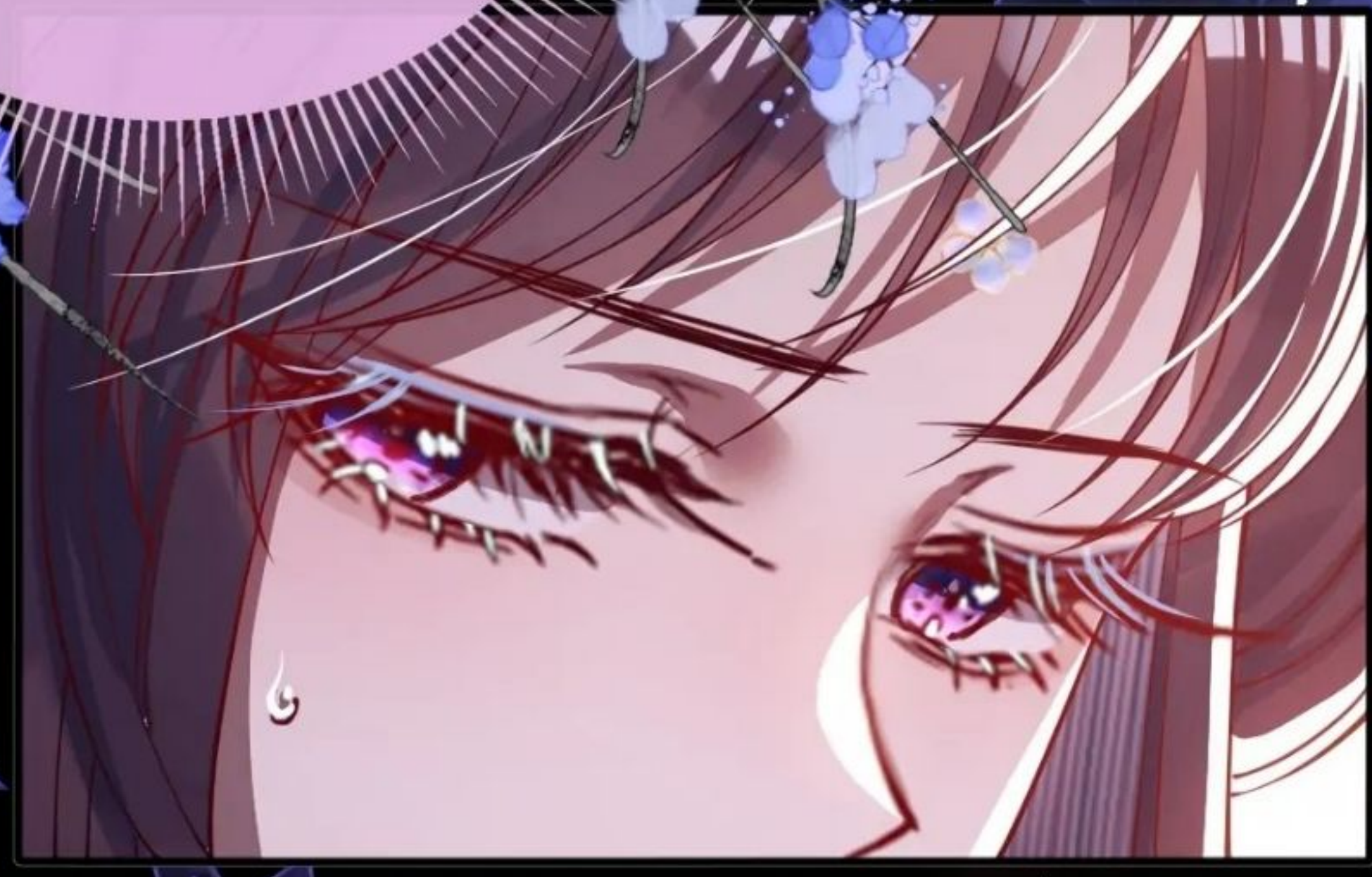
پس،
پای من این لباس رو
مخصوصاً برای من
پوشیده...

همم؟
چرا یهو حرفش رو
قطع کرد؟



نکنه
سر یه موضوع
مهم، مراحمت (یعنی)
کردم؟

تقریباً همه
می‌دونن ژو رو تک و ژو
شی با هم رابطه خوبی
ندانن.



ولی اگه
واقعاً چیزی رو شنیدم که
نباید... چطور قداره باهام
پر خورد کنه؟



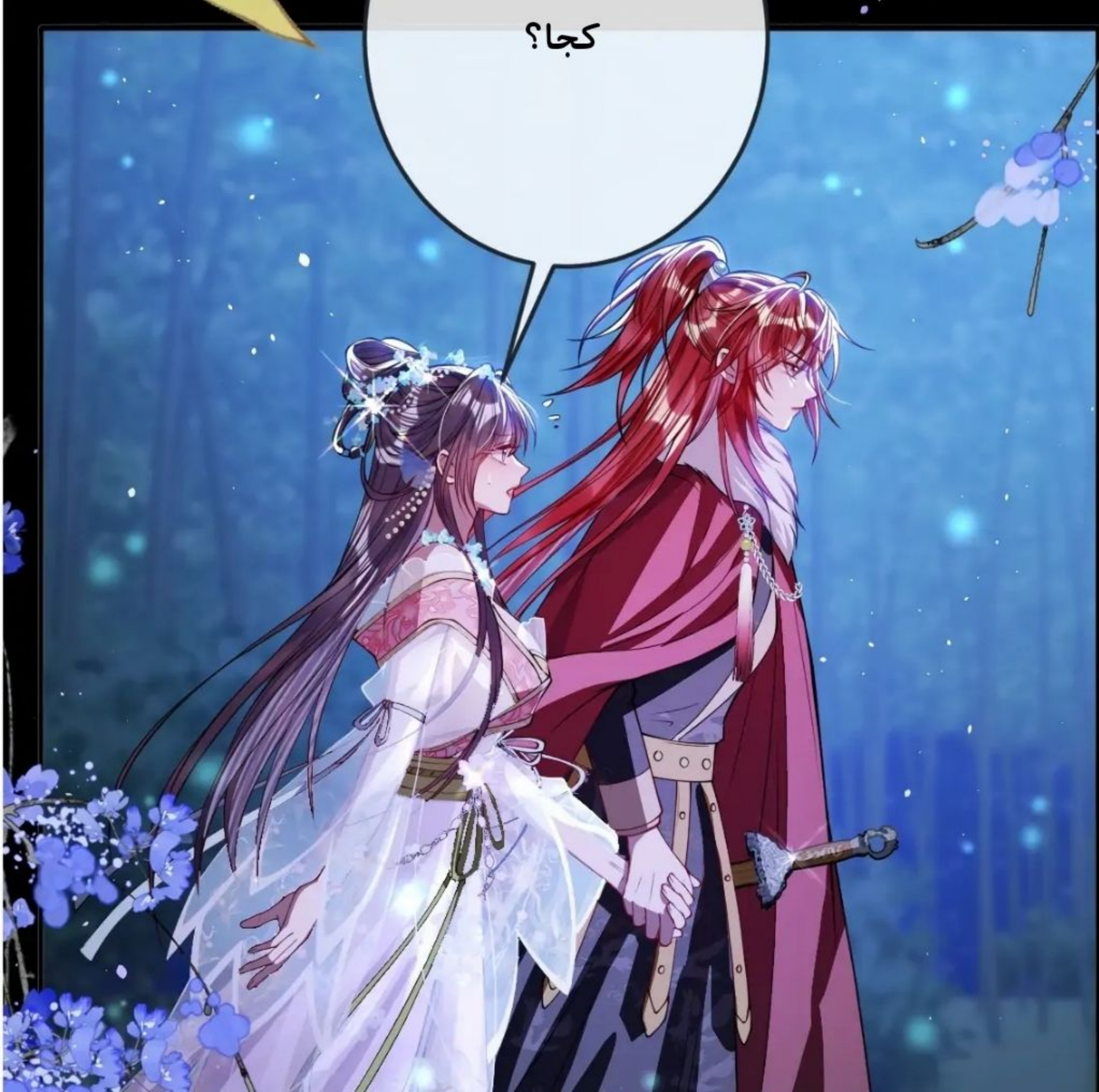
SWISH

آه؟!!



دنبالم بیا.

کجا؟



FWOO

دستور
شاهدخت واضح بود،
پس من هم باید شخصا
ازش تشکر کنم،
نه؟

حالا
که کار به اینجا
کشیده، شاهدخت داره
عقب نشینی
می‌کنه؟

ادامه دارد...

سلام

این فایل که هم اکنون خوندید،
توسط تیم بزرگ تلگرامی

Aoisekai

ترجمه و ادیت شده و برای شما
و بقیه افرادی که به مانهوا
خوندن علاقه دارن آماده
شده.

تیم آئویی سکای فقط و
فقط در تلگرام فعالیت میکند.

اگه این فایل توی روبیکا، سروش،
ایتا، اینستا و بقیه پیام رسان های داخلی و
خارجی گذاشته شده و دارید میخونید،
بدونید بدون اجازه ی تیم ما گذاشته شده
و این کار دزدی محسوب میشود و به
هیچ عنوان ما راضی نیستیم.
فقط و فقط ما رو از طریق کانال تلگرامی
زیر دنبال کنید و مارو حمایت کنید:



[HTTPS://T.ME/AOISEKAI](https://t.me/AOISEKAI)